



بررسی نقش‌مایه‌های سنگ‌نگاره خزان بیرجند در استان خراسان جنوبی^۱

سارا صادقی^{۱*}، حمیدرضا قربانی^۲، حسن هاشمی زرج‌آباد^۲

^۱ کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند.

^۲ استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند.

(مسئول مکاتبات: sasadeghi809@gmail.com)

چکیده

سنگ‌نگارها از نظر انجام مطالعات تاریخ هنر، باستان‌شناسی و مطالعات انسان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. محور اصلی مقاله حاضر معرفی یکی از مهم‌ترین نگاره‌های استان خراسان جنوبی با نام سنگ‌نگاره خزان در شهرستان بیرجند است. گردآوری اطلاعات به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج پژوهش و مطالعات تحلیلی کنده‌نگاره‌ها بر پایه نمونه‌های برگزیده نقش‌مایه است. تعدادی از نقوش نویافته هستند؛ گونه‌ها و ریخت‌های متنوع جانداران و اشیاء کنده‌شده بر سنگ‌ها و صخره‌ها را معرفی می‌کند. نقوش شاخص یافت‌شده به نقوش حیوانی، انسانی، نمادین و تعدادی نقوش نامعلوم تقسیم‌بندی می‌شوند. این نقوش علاوه بر تنوع نقش‌مایه از نظر قدمت نیز اهمیت زیادی دارند.

واژگان کلیدی: هنر صخره‌ای، خراسان جنوبی، سنگ‌نگاره خزان، نقوش

Motifs Investigation of Birjand Khazan Petroglyph from South Khorasan/IRAN

Sara Sadeghi^{1*}, Hamid Reza Ghorbani², Hasan Hashemi Zarjabad³

1. MA in Archaeology, University of Birjand
2. Assistant Professor of Archaeology, University of Birjand
(Corresponding author: Email: sasadeghi809@gmail.com)

Abstract

Petroglyphs are of particular significance in regard to history of art, archaeological and anthropological studies. In the present article, the main objective is to introduce one of the most important petroglyphs of Southern Khorasan province known as 'Khazan' petroglyph, which is located in Birjand city. For data collection, library and field study methods were used. The results of analytic study of petroglyphs has been based on the selected samples of motifs which include a number of newly found petroglyphs that introduce various types of animal species and objects engraved on stones and rocks. Prominent discovered figures are divided into animal, human and symbolic images as well as a number of unknown images. In addition to their various motifs, these petroglyphs are also highly important in regard to their ancient historical origin. Thus, studying these petroglyphs provides considerable information about vegetation, fauna and demographic features of this region.

Key words: Rock Art, Southern Khorasan, Khazan Petroglyph, Motifs

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

استفاده از سنگ و صخره در ایران در بیان قدرت سیاسی و ثبت پیروزی‌های پرشکوه صاحبان قدرت، پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد و آثار و نمودهای فراوان آن در دوران تاریخی (از پیش از عیلامی تا اواخر قاجار) شناسایی شده است. اما گونه دیگری از بیان افکار و اندیشه‌ها بر سنگ‌نگاره‌های انتزاعی کنده شده‌ای است در اندازه‌های کوچک که با نقوش برجسته واقع‌گرایانه در اندازه طبیعی و اغلب بزرگ‌تر از اندازه واقعی حجاری شده‌اند، کاملاً متفاوت است. بیش از صدها مجلس یا مجموعه و هزاران تک‌نگاره (نقش‌مایه) هنر صخره‌ای (کنده‌نگاره) در سراسر ایران شناسایی و معرفی شده است. نقوش صخره‌ای از شاخص‌ترین نمونه‌های آثار هنری و فرهنگی چند بعدی‌اند که در علوم مختلف از جمله باستان‌شناسی، تاریخ هنر، علوم ارتباطات و غیره از مدارک مهم به شمار می‌آیند و تاکنون تعداد قابل توجهی از این آثار در آسیا، آفریقا، اروپا، آمریکا و حتی استرالیا کشف و معرفی شده‌اند و در ایران نمونه‌های ارزشمندی وجود دارد که با مطالعه و کار عملی بر روی آن‌ها می‌توان به فرهنگ‌های مختلف، شاخص‌های فرهنگی و ارتباطات مختلف مناطق پی برد (محمدی‌فر و همتی از ندریانی، ۱۳۹۳: ۲۲۴). تا سال ۱۹۶۷ میلادی (۱۳۴۵ هـ.ش) هیچ نقش نه تنها در خراسان بلکه در هیچ نقطه ایران یافت نشده بود. اما از آن زمان تاکنون مطالعات زیادی انجام گرفته و گزارشات فراوانی در خصوص نقوش صخره‌ای در نقاط مختلف کشور ارائه شده است. در این مقاله یکی از شاخص‌ترین نگاره‌های این استان با نام سنگ‌نگاره خزان که در طرح پژوهشی به صورت بسیار اجمالی به آن پرداخته شده مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در میان نقوش سنگ‌نگاره خزان، هیچ نقشی بدون مفهوم و معنی نیست، هر نقشی نماد و نمایان‌گر شخص، مفهوم واقعه‌ای خاص است و نگارگر متأثر از الگوهای ذهنی خود نمادی از؛ بز، سگ، انسان و صحنه‌هایی از شکار و سواره‌نظام را به تصویر می‌کشد. بررسی این نقوش درآمدی بر شناخت برخی از مفاهیم انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی است. در این مقاله با در نظر گرفتن اهداف زیر سنگ‌نگاره خزان مورد بررسی و مطالعه واقع شده است:

۱. معرفی نقوش صخره‌ای سنگ‌نگاره خزان؛
۲. طبقه‌بندی نقوش بر اساس نوع نگاره‌ها؛
۳. بررسی تطبیقی نقوش با پوشش گیاهی و جانوری منطقه؛
۴. برقراری ارتباط و مطالعه تطبیقی و تشابهی بین نگاره‌ها با دیگر نقوش یافت شده در ایران،
۵. انجام مطالعات قوم‌باستان‌شناسی در مورد نقش‌مایه‌ها؛
۶. گاهنگاری نسبی نقوش.

۲- پیشینه پژوهش

با توجه به فراوانی و اهمیت سنگ‌نگاره‌ها در سرتاسر ایران و وسیع بودن زمینه مطالعاتی در مورد این پژوهش، تاکنون تعداد زیادی از این آثار در ایران، مطالعه و معرفی شده‌اند. از اولین و مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در استان خراسان جنوبی در شرق ایران می‌توان به "گزارش نوشته‌ها و پیکره‌های کال جنگال" اشاره کرد که در سال ۱۳۳۰ مطالعات باستان‌شناسی پژوهشی توسط جمال رضایی و صادق کیا در زمینه قرائت کتیبه‌های اشکانی منتشر شد (رضایی و کیا، ۱۳۲۰). در سال ۱۳۷۱ لباف خانیکی و بشاش سنگ-

نگاره‌های لاخل مزار بیرجند را مورد مطالعه و بررسی قرار دادند و گزارش بررسی خود را در مقاله‌ای با نام "سنگ‌نگاره‌های لاخل مزار بیرجند" به چاپ رسانیدند (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳). در تابستان ۱۳۹۲، برای اولین بار جامع‌ترین طرح پژوهشی روشمند استان خراسان جنوبی در خصوص مطالعات باستان‌شناسی-انسان‌شناسی سنگ‌نگاره‌های خراسان جنوبی توسط حمیدرضا قربانی انجام شد (قربانی، ۱۳۹۲). با وجود مطالعات مورد اشاره جالب است بدانیم که در کشورهای همسایه، به این حوزه توجه فوق‌العاده‌ای شده است که محل‌های باستانی بسیار معروفی چون قوبستان جمهوری آذربایجان (ورجاوند، ۱۳۴۱)، گگاما (جمهوری ارمنستان)، یازیلی کایا (ترکیه)، سارمیس (ازبکستان)، چولپون آنا (قرقیزستان) و غیره (محمدی‌فر و همتی ازندریانی، ۱۳۹۳: ۲۲۶) است.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر به دو روش میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در مرحله‌ی اول در روش مطالعات میدانی ابتدا اطلاعات موجود بر روی صخره‌ها مستندنگاری شد. در مرحله‌ی دوم برای تکمیل اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای شامل بررسی اسناد، متون تاریخی و پیشینه مطالعات انجام شده نیز استفاده شده است.

۴- مشکلات مطالعه نقوش صخره‌ای

با وجود انجام مطالعات بسیار مفید و منظم درباره نقوش صخره‌ای در کشورهای استرالیا، آفریقای جنوبی، آسیای میانه، حوزه قفقاز و جمهوری آذربایجان و شکل‌گیری شاخه علمی برای مطالعه نقوش صخره‌ای در سطح جهان، نقوش صخره‌ای ایران با وجود گستردگی فراوان، کمتر مورد توجه محققین داخلی و خارجی قرار گرفته‌اند. از مهم‌ترین مشکلات این آثار در مطالعه نقوش صخره‌ای میتوان به گاهنگاری (chronology) و تاریخگذاری (dating) و تفسیر نقوش (interpretation) اشاره کرد. البته ناگفته نماند که منظور از تفسیر نقوش، همان تفسیر واحد و مشخص از نقوش است. با توجه به روش‌های علمی و استفاده از روش‌های بین رشته‌ای، باز هم در تفسیر و گاهنگاری نقوش، مشکلات باقی است (محمدی قصریان، ۱۳۸۶: ۱۵).

۵- سازندگان نقوش

در برخورد با نقوش و تصاویر صخره‌ای این سوال همیشه به وجود می‌آید که سازندگان و نقش‌کنندگان این نگاره‌ها چه کسانی بوده‌اند. عده‌ای معتقدند که این نقوش نوعی نقوش چوپانی بوده که یک چوپان و یا یک کتیرازن^۲ آن را از روی تفنن و بی‌کاری و یا در هنگامی که منتظر چرای گله بوده آن را ایجاد کرده است؛ در عین حال نقاشی‌های عامیانه این صحنه‌ها، نشانگر آن است که شغل اصلی آنها نگارگری و یا شغل‌هایی همچون جادوگری باستانی و غیره نبوده است. اگر چه در میان این نقوش و با توجه به وسایل و امکانات آن زمان طرح‌های عالی و شگفت‌آور نیز دیده می‌شود که اگر شغل اصلی این نقاشان نگارگری می‌بود، به خاطر ممارست در کار، این افراد را به نگارگران ماهرتری تبدیل کرده و شیوه کار آنها را در سبکی تکامل می‌بخشید و آنها فرصت و مجال بیشتری برای انجام کارهای زمان‌گیرتر داشته و می‌توانسته‌اند تصاویر

بزرگتر و ماهرانه‌تری را ترسیم کنند (فرهادی، ۱۳۷۷: ۲۰۰). این سنگ‌نگاره‌ها نشان می‌دهد که شغل اصلی نگارگران شکارگری است؛ کوچک بودن نگاره‌ها، کنده شدن آنها بر روی هم و البته در فواصل زمانی بسیار زیاد، وسایل به کار گرفته شده ساده، استفاده از محل‌های به کار گرفته شده طبیعی و به ویژه حک این نگاره‌ها در جایگاه‌های پراهمیت برای شکار و آبگاه و آبشخورها و گذرگاه‌های شکار همگی نشان می‌دهد که در مدت کوتاهی خلق شده است. برای شناسایی به وجود آوردگان سنگ‌نگاره‌های این استان می‌توان به وجود نقوش متنوع از جمله صحنه شکار و همچنین وجود تصاویر متعدد بز کوهی که نشان از اهداف اصلی شکار دارد، اشاره نمود. وجود نقش‌های اولیه و اجرای آنها روی یکدیگر و نیز وجود کتیبه‌های متأخر حاکی از آن است که تصویرسازی روی این سنگ با ارزش از گذشته‌های دور تا سال‌ها بعد استمرار داشته است و هریک زبان حال سازندگان آن است که در این مورد آقای دکتر فرهادی گفته‌اند: به درستی سنگ‌نگاره‌ها بیش از ابزارهای سنگی و استخوانی، گذشته آدمیان را برای ما بازگو می‌کنند. این تصویرهای ماقبل تاریخی، آدمیان را با ابزارهایش، هیأت و شمایل و ژست‌هایش، شکارها و و شکارگاه‌هایش یکجا نمایش می‌دهند (همان: ۱۵۳).

۶- تکنیک سنگ‌نگاره‌ها

از حدود پنجاه سال پیش توجه به کارهای تجربی و بهره‌گیری از روش‌های جدید این امکان را فراهم ساخته است که بتوان تکنیک‌های به کار رفته توسط هنرمندان آن زمان بهتر و بیشتر شناخته شود. مواد اصلی که مورد استفاده انسان‌های پیش از تاریخ قرار گرفته‌اند دارای تنوع قابل توجهی هستند. نقوش و نگاره‌های ایجاد شده بر صخره‌ها و سنگ‌ها را در یک نگاه کلی به سه دسته اصلی می‌توان تقسیم کرد:

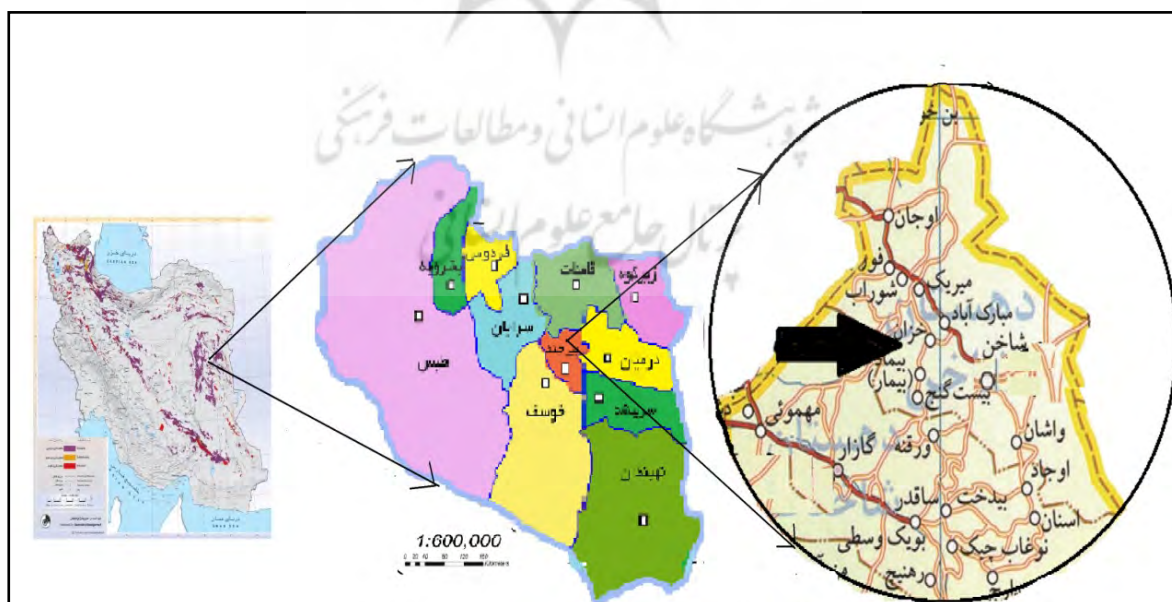
۱. پتروگلیف یا کنده‌نگاره به معنی ایجاد تغییر در سنگ شامل بریدن، کنده‌گری، حک و نقر، شکاف دادن‌ها، سایش‌ها و ساییدن، خراشیدن یا خرد کردن نمادین سنگ، تراشیدن و سوزنی‌ها، سیاه و غیره.
۲. پیکتوگراف یا رنگین‌نگاره به معنی افزودن هر نوع رنگ یا ماده به سنگ شامل طراحی و نقاشی با رنگ، ذغال، دوده و غیره است و شامل نقاشی، طراحی، اندود رنگ، استنسیل یا گرده‌برداری، چاپ و نگاره‌های موم‌اندود است.

۳. ژئوگلیف شامل برجستگی‌ها و پدیده‌های طبیعی زمین که به نحوی به دست انسان تغییر یافته و مورد استفاده برداشت‌های ذهنی او قرار گرفته است؛ اعم از هنر یا آیین و یا قوانین و آداب اجتماعی و گروهی (ملاصالحی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۰).

هر چند که به‌طور ترکیبی می‌توان گونه ژئوگلیف را نیز مشاهده کرد. به عنوان مثال در برخی جایگاه‌ها انتخاب بستر سنگی یا صخره‌ای به‌طور ویژه و با در نظر گرفتن شرایط طبیعی محل صورت گرفته است که شاید بتوان چنین نمونه‌هایی را در قالب ژئوگلیف نیز مطرح نمود. دو گروه نخست یعنی رنگین‌نگاره‌ها و کنده‌نگاره‌ها و به ویژه کنده‌نگاره‌ها در ایران نمونه‌های بیشتری را شامل می‌شود.

۷- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

استان خراسان جنوبی از سمت شمال به استان خراسان رضوی و از شرق دارای مرز مشترک با کشور افغانستان و از غرب به استان یزد و از جنوب به استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان محدود می‌شود. از لحاظ وضعیت ارتفاعات، ارتفاعات خراسان جنوبی امتداد شمالی- جنوبی دارند. بلندترین نقطه استان قله شاسکوه با ارتفاع ۲۸۵۴ متری و پست‌ترین نقطه استان در شهرستان سربیشه با ارتفاع ۵۷۶ متر از سطح دریا واقع شده است. استان خراسان جنوبی از نظر تقسیم‌بندی پهنه‌های اصلی رسوب- ساختاری در پهنه اصلی ایران مرکزی و زیر پهنه بلوک لوت و کوه‌های شرق ایران قرار دارد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی، ۱۳۸۸: ۶). بر اساس نقشه ۱:۲۵۰۰۰۰ سازمان زمین‌شناسی ایران گسترش سنگ‌های آذرین با توده‌های نفوذی در نقاط مختلف استان خراسان جنوبی بارز است. براساس نقشه‌های مذکور دوران‌های مختلف زمین‌شناسی از جمله مزوزوئیک، سنوزوئیک و کواترنر نمایان است. تاریخچه چینه‌ای بلوک بسیار نزدیک با دیگر نواحی خرده قاره ایران مرکزی است. اقلیم استان خراسان جنوبی در اکثر بخش‌ها، خشک و بیابانی است. این استان بر اساس تقسیمات کشوری، در سال ۱۳۹۰ دارای ۸ شهرستان، ۲۰ بخش، ۲۵ شهر و ۵۱ دهستان بوده است. (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۶۳ و ۵۲) در سال ۱۳۹۲ این استان به ۱۱ شهرستان تقسیم شده است. مجموعه آثاری که در این مقاله مورد مطالعه قرار می‌گیرند، در شهرستان بیرجند واقع شده است. سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳)، در روستای خزان از توابع دهستان شاخات، بخش مرکزی، در شهرستان بیرجند و در استان خراسان جنوبی قرار دارد. این سنگ‌نگاره در ارتفاع ۱۱۴۳ متری از سطح دریا قرار گرفته و موقعیت آن $33^{\circ}11'431''N$ شمالی و $159^{\circ}17'281''E$ شرقی است (نقشه ۱ و ۲).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی سنگ‌نگاره خزان در شهرستان بیرجند در شرق ایران (مأخذ: قربانی: ۱۳۹۲).



نقشه ۲. تصویر هوایی سنگ‌نگاره خزان (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲: ۲۷۱).

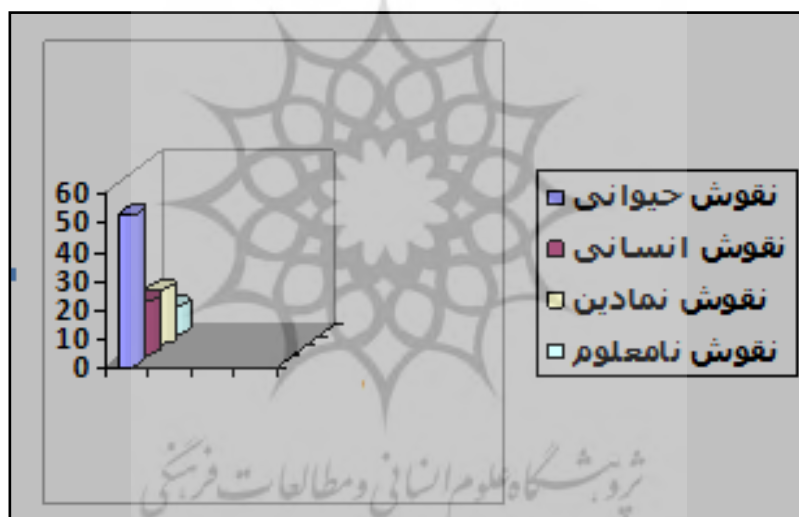
۸- نقش‌مایه‌های سنگ‌نگاره خزان

خزان (قربانی، ۱۳۹۲)، نام روستایی است که نقوش نویافته‌ایی در یک مجموعه منسجم روی سنگ‌ها و صخره‌هایی در فاصله بسیار زیادی از روستا ایجاد شده‌اند که سنگ‌نگاره‌های آن با همین نام معرفی می‌گردد. نقوش بررسی شده بر روی سطحی عمودی و افقی حک شده است (تصویر ۱). نقوش این محوطه از نوع پتروگلیفاند و تکنیک آن‌ها به صورت کوبشی و خراشی است. سنگ‌هایی که نقوش بر روی آن حک شده است به رنگ قهوه‌ای روشن است. به علت روند فرسایش سنگ‌ها و صخره‌ها، بیشتر فرسایش طبیعی به صورت ترک‌خوردگی و شکستگی در سطح سنگ، تورق سطح و عوارض انسانی هم به صورت یادگارنویسی، باعث شده نگاره‌ها دچار آسیب شوند. تعدادی از نگاره‌ها با فاصله بسیار نزدیکی و با دقت بالایی در کنار هم نقر شده‌اند. در یک نگاه کلی به آثار صخره‌ای خزان می‌توان دریافت که نقوش نویافته خزان معرفی‌کننده نقوش بسیار شاخصی است که نظیر چنین آثاری در دیگر نقاط ایران از جمله در شرق و شمال شرق ایران به کرات نقش گردیده‌اند. نقش‌مایه‌های شاخص سنگ‌نگاره خزان در مجموع، تعداد ۲۱ نقش است (نمودار ۱) که عبارتند از:

۱. نقوش حیوانی (اسب، بز، الاغ، گاو و پرنده)؛
۲. نقوش انسانی (سوارکار، درحال انجام مراسم آیینی)؛
۳. نقوش نمادین (نعل اسب، صلیب شکسته)؛
۴. نقوش نامعلوم.



تصویر ۱. محل قرار گرفتن و پراکنش نقوش در سنگ‌نگاره خزان (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲).



نمودار ۱. درصد نقوش بدست آمده از سنگ‌نگاره خزان.











۸-۱- نقوش حیوانی

در نگاره‌های حیوانی خزان، تنوع جالبی در سبک کار و گونه‌های جانوری وجود دارد که اغلب آن‌ها در سفال‌های پیش از تاریخ (هزاره چهارم) شناخته شده هستند (به ویژه سفال حصار ۱ و سیلک III). البته باید خاطر نشان ساخت که گاهی این همانندی‌ها پیامد دوام فرهنگی است، نه همزمانی آن‌ها. نگاره‌های حیوانی خزان شامل حیواناتی مانند: بز، اسب، الاغ، گاو و پرنده را دربرمی‌گیرند. نقش بزکوهی با درصد بسیار بالایی نسبت به سایر حیوانات در رأس قرار می‌گیرد که تماماً به روش کنده‌کاری ایجاد گردیده‌اند. نقش بز در حالات مختلف و جهات مختلف که اکثراً به صورت تکی و منفرد تصویر گردیده‌اند.

۸-۱-۱- بزکوهی: در سنگ‌نگاره خزان، بیش از هر حیوانی نقش بزکوهی جلب توجه می‌کند. این نقش نه تنها از نظر کمی بیشترین تعداد را با فاصله زیاد نسبت به سایر نقوش حیوانی به خود اختصاص داده است، بلکه به دلیل

اصولی که تقریباً در همه جا به دقت در نحوه نمایش آن رعایت شده است، حائز اهمیت است. از جمله این اصول که بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، شاخ‌های بلند و کمانی است که همیشه به صورت جفت ترسیم شده‌اند و دارای زیبایی خاصی هستند. نمایش نیم‌رخ در حیوانات و هم‌چنین دوری‌گزینی از ارائه تصاویر سه بعدی (پرداختن به ایجاد حجم) از دیگر اصولی است که در اغلب این نقوش رعایت شده‌اند. مسئله مهم در این نقوش شیوه قرار گرفتن مضمون‌ها در کنار یکدیگر و نحوه چیدن آن‌ها در صحنه است که با اندک تأملی می‌توان به وجود ترکیب‌های از قبل تعیین شده‌ای پی برد که این ترکیب‌ها، صحنه‌های اصلی را تشکیل می‌دهند و غالباً نیز تکرار شده‌اند. شناسایی و تشخیص این ترکیب‌ها می‌تواند بدون شک یکی از ابزارهای اصلی آشکار نمودن مفاهیم و پیام‌های این تصاویر باشند. مشکل اصلی در این جا کامل نبودن و در مواردی نامشخص بودن بعضی از صحنه‌هاست که به علت قدمت زیاد و فرسایش تخریب شده و از بین رفته‌اند. این پدیده در همه جا مشکل جدی برای این نوع مطالعات ایجاد می‌نماید. نکته دیگر وجود این احتمال است که این تصاویر همه در یک دوره معین و هم‌زمان توسط فرد (یا افرادی) که در این کار نسبت به سایرین مهارت بیشتری داشته‌اند، انجام شده باشد. این مورد اخیر می‌تواند یک دست بودن فنون به کار رفته و حتی سبک‌های (شکل تصویرگری) مورد نظر را تا اندازه قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد و کار مطالعه ما را حساس‌تر نماید. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که استناد و اتکاء به سبک و فنون شاید نتواند پاسخ‌های مورد نظر را به‌طور صحیح و کامل در اختیار قرار دهد. در سنگ‌نگاره خزان تعداد ۶ عدد نقش بز به چشم می‌خورد که اکثراً به صورت منفرد و تکی بر روی سنگ‌ها و صخره‌های محوطه نقر شده‌اند که به روش پتروگلیف و تماماً جهتشان به سمت راست است. نگاره‌هایی به این سبک را به کرات در سنگ‌نگاره‌های یافت‌شده است. از جمله می‌توان به سنگ‌نگاره جریت (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۱) و (Vahdati, 2012: 180)، سنگ‌نگاره مرزبانیک (Moradi, ..., 2013: 346)، سنگ‌نگاره تیمره (فرهادی، ۱۳۷۴: ۲۱)، سنگ‌نگاره اسبفته یزد (آیتی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۷) و به سنگ‌نگاره‌های دشت توس در شمال شرق ایران (بختیاری‌شهری، ۱۳۸۸: ۳۶) اشاره نمود (جدول ۱).

جدول ۱. مقایسه نقش بز در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش یافت شده در ایران.

مقایسه تطبیقی نقش بز در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش یافت شده در ایران				
				
سنگ‌نگاره خزان (مأخذ، قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)	سنگ‌نگاره اسبفته یزد (آیتی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۷)	سنگ‌نگاره خزان (مأخذ، قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)	سنگ‌نگاره تیمره (مأخذ، فرهادی، ۱۳۷۴: ۲۱)	سنگ‌نگاره خزان (مأخذ، قربانی، ۱۳۸۳: ۲۹۳)
				
سنگ‌نگاره خزان (مأخذ، قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵)	سنگ‌نگاره جریت (مأخذ، رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۱)	سنگ‌نگاره جریت (Vahdati, 2012: 180)	سنگ‌نگاره خزان (مأخذ، قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵)	سنگ‌نگاره مرزبانیک (Moradi, ..., 2013: 346)

تعداد فوق العاده زیاد نقش این حیوان در سنگ‌نگاره خزان از یک طرف و سایر مجموعه‌ها (ایران و کشورهای همسایه و ...) از طرف دیگر اهمیت بی‌چون و چرای این جایگاه مهم آن را در باورها و اساطیر اقوام گذشته بیش از پیش نمایان می‌سازد. این حیوان یکی از قدیم‌ترین نمادهای شناخته شده در تاریخ بشری است. با دقت در این نگاره‌ها مشاهده می‌شود که این نقش در مجموعه‌های ذکر شده، همانند سایر مناطق مجاور و خارج از ایران، بیشترین فراوانی را دارد. بعضی اوقات در این نقوش، بدن بزها بیانگر تفاوت زمانی است؛ به نحوی که نمی‌توان هردو نگاره استیلیزه و حجیم را مربوط به یک دوره زمانی نسبت داد. مطالعات و مطابقت نقوش با کوچ‌نشینان و گله‌های چوپانان بومی نمایانگر این است که شاید بتوان این فراوانی نقوش را به شرایط اقلیمی و زیست محیطی در زمان ایجاد نقوش نسبت داد و نکته‌ی مهم‌تر که محققان به آن اشاره داشته‌اند، به موضوع اسطوره‌ای بودن این حیوان است (تصویر ۲). استان خراسان جنوبی در گذشته‌های دور به دلیل دارا بودن قابلیت‌های فراوان به‌ویژه وجود گله‌های قوچ و میش مطرح بوده است. این منطقه به علت داشتن مراتع و تپه‌ماهورهای متعدد می‌تواند مأمّن مناسبی برای پرورش قوچ و میش وحشی باشد. توپوگرافی منطقه عمدتاً کوهستانی و صخره‌ای و در بعضی نقاط تپه‌ماهوری می‌باشد (تصویر ۳).

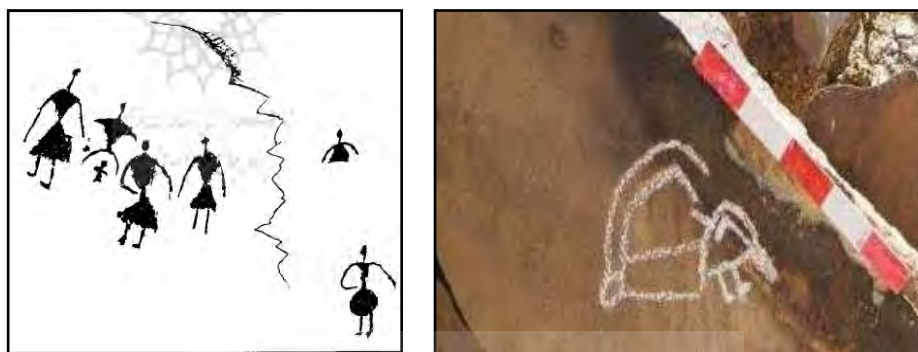


تصویر ۲. گونه‌های از بزهای بومی در استان خراسان جنوبی.



تصویر ۳. گونه‌های از بزهای کوهی در استان خراسان جنوبی: (سمت راست: منطقه حفاظت شده درمیان) (سمت چپ: منطقه حفاظت شده آرک و گرنگ، شهرستان بیرجند (مأخذ: گزارش جامع وضعیت مناطق چهارگانه تحت مدیریت حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی، ۱۳۸۹: ۱۲).

در کنده‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی بر روی تخته‌سنگی در محوطه خزان نقش قابل توجه به چشم خورد. در این نقش دو بزکوهی را نشانگر است که پشت به هم نقر شده‌اند (تصویر ۴). تنها نقشی که شبیه این است در سنگ‌نگاره تیمره صحنه‌ای مربوط به زایش انسانی است. این نگاره شامل سه انسان با دامن‌های مشخص و بلند است که به نظر می‌رسد پیرامون نفر چهارمی حلقه‌زده‌اند. نفر چهارم بدون دامن و در میان پاهای او یک بچه با دست و پای کوتاه و نامشخص قرار گرفته است (فرهادی، ۱۳۷۴: ۴۷) (طرح ۱).



تصویر ۴. صحنه زایش بز کوهی در سنگ‌نگاره خزان (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۶).
 طرح ۱. صحنه زایش آدمی در سنگ‌نگاره‌های تیمره (مأخذ؛ فرهادی، ۱۳۷۴: ۴۶).

۸-۱-۲-اسب: از دیگر نقوش حیوانی یافت‌شده در خزان، نقش اسب و اسب‌سوار است. سنت نمایش مردان اسب‌سوار حتی تا زمان‌ها اخیر نیز ادامه یافته است و می‌توان چنین عناصری را در نقوش سنگ قبرهای اواخر سده نوزدهم در بیستون و در هنر عشایری نیز مشاهده کرد. اسب در خاورمیانه و مصر و هندوستان، پس از حملات طوایف آریایی از استپ‌های شمالی، در دومین هزاره پیش از میلاد، شناخته شد و آنان از بهایی را که به وسیله اسب کشیده می‌شد، به کار می‌بردند (هال، ۱۳۹۰: ۲۴). حضور اسب در فرهنگ و تاریخ کهن ایران در جلوه‌های گوناگونی متجلی است، آن‌گونه که در بیشتر کتیبه‌ها، سنگ نبشته‌ها و الواح سیمین و زرین دوره هخامنشی، نیز گواه اهمیت و توجه خاص به این حیوان زیبای اساطیری است و در کتیبه‌های گلی دوره داریوش نیز نام اسب‌های عالی کشور ایران ذکر شده است. در خراسان اسب مورد توجه خاص مردمان این سرزمین پهناور است. در شمال منطقه و تا حدودی سبزواری نمایشی موسیقایی به نام «نمایش اسب چوبی» اجرا می‌شود. این نمایش ریشه‌های قوی حماسی و اسطوره‌ای در خود نهفته دارد و موسیقی جزو لاینفک آن به شمار می‌رود. در نمایش موسیقایی اسب چوبی، رقصنده یا چوب باز در حالی که شمشیری به دست دارد در داخل اسب چوبی قرار می‌گیرد و با نوای سرنا و دهل نوازندگان محلی به حرکات نمایشی خاصی می‌پردازد. در این نمایش موسیقایی، اسب چوبی با پارچه‌های رنگارنگ تزئین و پوشیده شده است و رقصندگان یا چوب بازان، گرداگرد اسب چوبی با او به چوب‌بازی می‌پردازند (صالح‌پور، ۱۳۸۶: ۱۵۹). نقش اسب در سنگ‌نگاره خزان همراه با سوارکار نقر شده است. نقش اسب و سوارکار در سنگ‌نگاره خزان از نظر تکنیک، شویبه کار قابل مقایسه است با: سنگ‌نگاره جربت (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۸)، (Vahdati, 2012: 182)، سنگ‌نگاره مرزبانیک (Moradi, ..., 2013: 343) و سنگ‌نگاره‌های دشت توس در شمال شرق ایران (بختیاری‌شهری، ۱۳۸۸: ۳۶).

تنها تفاوت نگاره اسب در منطقه مورد بررسی (خزان) جزییات اسب است که بر روی سرش چیزی شبیه به یال و داخل بدنش نقطه‌های حک شده است (جدول ۲).

جدول ۲. مقایسه نقش اسب در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش یافت شده در ایران.

مقایسه تطبیقی نقش اسب در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش یافت‌شده در ایران				
				
سنگ‌نگاره جربت (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۸).	سنگ‌نگاره دشت توس (بختیاری‌شهری، ۱۳۸۸: ۴۲).	سنگ‌نگاره مرزیلیک (moradi, ..., 2013: 343)	سنگ‌نگاره جربت (yahdati, 2012: 182)	سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

۸-۱-۳- گاو: تک‌نگاره مربوط به نقش گاو در میان نگاره‌های خزان به روش پتروگلیف (کوبشی) نقر شده است که بر بدنش خالهایی حک شده است. یکی از ویژگی‌های هنر پرتوایلامی، نشان دادن شاخ جانوران به صورت بسیار بلند و ناموزون است. نمونه‌هایی از ترسیم چنین نقوشی را می‌توان بر روی ظروف سفالین منقوش هزاره چهارم ق.م در ایلام مشاهده نمود (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۱۲۶). شبیه چنین نقش را می‌توان در اثر مهری دست آمده از شوش متعلق به ۳۰۰۰-۳۲۰۰ ق.م قابل مقایسه است. در تل باکون نقش گاوی نقر شده از روبرو که باقی‌مانده نقش آسیب دیده است. در سنگ‌نگاره‌های لاخ مزار بیرجند و گگاما در ارمنستان نقش گاو یافت شده است نقش این حیوان در سنگ‌نگاره لاخ مزار بیرجند (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴۷) و در نقش گاو قرمز رنگ با سرسیاه در غار لاسکو به روش پیکتوگراف (نقاشی) (رفیع فر، ۱۳۸۱) می‌توان دید (جدول ۳). ذکر این نکته حائز اهمیت است که روی سنگ‌نگاره‌های بدست‌آمده از ایران تا جایی که نگارندگان اطلاع دارند، تاکنون نقشی شبیه به نگاره گاو سنگ‌نگاره خزان یافت نشده است. تنها نگاره گاو در سنگ‌نگاره لاخ مزار بیرجند نقر شده است که به دلیل گذشت زمان و آسیب‌های طبیعی و انسانی نقش آسیب دیده است.

جدول ۳. مقایسه نقش گاو در سنگ‌نگاره خزان با دیگر داده‌های فرهنگی.

مقایسه نقش گاو در سنگ‌نگاره خزان با دیگر داده‌های فرهنگی				
				
سفال تل باکون (غرابی، ۱۳۸۱: ۱۴۵).	سنگ‌نگاره لاخ مزار بیرجند (لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴۷).	نقاشی در غار لاسکو (رفیع فر، ۱۳۸۱).	اثر مهر بدمت آمده در شوش (مهرآفرین، ۱۳۷۵: ۳۰۳).	سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

۸-۱-۴- الاغ: در سنگ‌نگاره خزان روی تخته سنگی کوچک که از سنگ اصلی جدا شده و تنها یک نگاره از آن باقی مانده است. نگاره مورد نظر نقش مایه الاغی است که، چیزی شبیه بار بر روی پشتش قرار گرفته و

گوش‌هایی دراز در حالی که جهت نقش به سمت راست است نقر شده است. این نقش به روش پتروگلیف (کوبشی) نقر شده است. شبیه به چنین نقش را می‌توان در کوه دختر رشم در دامغان دید که نقش الاغی را نشانگر است که فاقد هرگونه جزییات است و نقش نیز تا حدی آسیب دیده است (روستایی، ۱۳۸۶: ۹۱) (جدول ۴).

جدول ۴. مقایسه نقش الاغ در سنگ‌نگاره خزان با سنگ‌نگاره کوه رشم در دامغان

مقایسه نگاره الاغ در سنگ‌نگاره خزان با کوه دختر رشم در دامغان	
 <p>سنگ‌نگاره کوه دختر رشم (روستایی، ۱۳۸۶: ۹۱).</p>	 <p>سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).</p>

۸-۱-۵. پرنده: پرنده نماد گسترده روح به ویژه در هنگامی که پس از مرگ به آسمان صعود می‌کنند (هال، ۱۳۹۰: ۳۹). در میان نقش‌های محدوده مورد پژوهش تک‌نگاره‌ای شبیه به پرنده یافت شد که جهتش به سمت چپ و یک شیبی شبیه به تخم در زیر یکی از بال‌هایش نقر شده است جهت این نقش به سمت راست است. نقوش مشابه این جانور را در سفال‌های پیش از تاریخ و دوران اسلامی، سنگ‌نگاره‌های تیمره نقوشی شبیه به پرنده (کبک) (فرهادی، ۱۳۷۴: ۳۴) و سنگ‌نگاره لاج مزار بیرجند (لباف خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴۹)، می‌توان مشاهده کرد (جدول ۵). با نگاهی به جدول ۵ می‌توان پی برد که هرچه به دوران متأخرتر و دوران حال نزدیک‌تر می‌شود از سادگی، تجریدی و استلییزه بودن نقش‌مایه کاسته می‌شود و نگارگران نقوش را به سبک واقع‌گرایانه‌تر همراه با جزییات بیشتر خلق می‌کنند.







جدول ۵. مقایسه نقش پرنده در سنگ‌نگاره خزان با دیگر داده‌های فرهنگی.

مقایسه تطبیقی نقش پرنده در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش یافت شده در ایران				
 <p>سفال‌های دوران اسلامی (ویلسون، ۱۳۷۷: ۲۷).</p>	 <p>سفال پیش از تاریخ (غرابی، ۱۳۸۱: ۱۸۶).</p>	 <p>سنگ‌نگاره لاج مزار بیرجند (لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۴۹).</p>	 <p>سنگ‌نگاره تیمره (فرهادی، ۱۳۷۴: ۲۴).</p>	 <p>سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۳).</p>

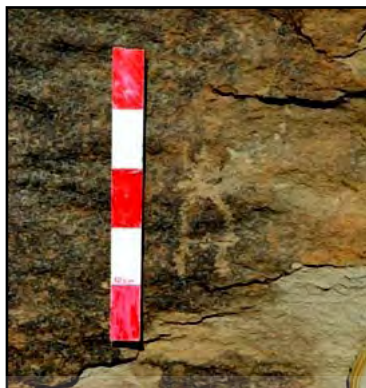
۸-۲- نقوش انسانی

۸-۲-۱- نقوش انسانی در حال انجام مراسم آیینی: در سنگ‌نگاره خزان نقش بسیار جالبی از دو نگاره انسانی حک شده است که در حال انجام مراسم آیینی است. از لحاظ سبکی از نوع پتروگلیف و ریخت شناسی، نقش نیز از روبرو و هرکدام دستمالی در دست چپشان نقر شده است که نقش انسانی پایینی یکی از پاهای خود را کمی بالا برده است که به علت گذشت زمان نقش مقداری آسیب دیده است. این نقوش و این مراسم از لحاظ شباهت به نقوش صندوقه ۲ است. که نقش انسانی است که یک دست خود را به کمرزده دست دیگرش را بالا نگه‌داشته و شیئی شبیه پارچه یا دستمال را طوری نگه‌داشته که موج‌های پاچه حرکت را القاء می‌کنند (شیدرتگ، ۱۳۸۶: ۵۷). در سنگ‌نگاره‌های جُربت (شهرستان جاجرم)، موتیف‌های انسانی بیشتر به صورت گروهی و با پویایی تمام دیده می‌شوند. یکی از این نمونه‌ها، بسیار مشابه پایکوبی کردهای کورمانجی در خراسان شمالی است که بیشتر با حرکات دست و بدون نظم همیشگی در اینگونه مراسم برگزار می‌شود (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۸). در نقوش پناهگاه اصلی سونگون تعدادی نقوش وجود دارد که نقوش زن‌هایی است (با توجه به لباسی که به تن دارند)، مشخص شده است. تمامی این نقوش در حالت تمام‌رخ و به صورت زوج در کنار هم تصویر شده‌اند، دست‌های چپشان به طرف بالا و دست‌های راستشان تماماً به طرف پایین است و در حالت کاملاً متحرک نمایش داده شده‌اند (رقص!) (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۶۳). در محل باستانی تام‌گلی در قزاقستان در یک صحنه نسبتاً بزرگ دو زوج که کاملاً آن را می‌توان یک صحنه گروهی در حال رقص هستند را می‌توان به وضوح دید (Francfort, 2000: 309). در منطقه کوهستانی سارال علاوه بر فنجان‌نماهای و جای پاها نیز تصویر زن و مردی کنده‌کاری شده که در حال رقص گردی هستند و مرد دستمالی به دست دارد و هدایت رقص را به عهده گرفته است (لحافیان، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۸۶) (جدول ۶).

جدول ۶. مقایسه تطبیقی نقوش انسانی در حال انجام مراسم در سنگ‌نگاره خزان با دیگر داده‌های فرهنگی.

مقایسه تطبیقی نقوش انسانی در حال انجام مراسم آیینی (رقص) در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش یافت‌شده در جهان		
		
سنگ‌نگاره سارال (لحافیان، ۱۳۸۹-۱۳۹۰: ۸۷).	سنگ‌نگاره سونگون (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۶۳).	سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).
		
سنگ‌نگاره تام‌گلی قزاقستان (Lymer, 2004: 163).	سنگ‌نگاره صندوقه ۲ (شیدرتگ، ۱۳۸۶: ۶۰).	سنگ‌نگاره جُربت (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

۸-۲-۲- نقوش انسانی به صورت تکی: با نگاهی به تمامی نقوش در نگاره‌های حک شده بر روی سنگ‌نگاره خزان می‌توان پی برد تمام نقوش انسانی مربوط به مرد است و تنها یک نگاره زن در سنگ‌نگاره خزان که با توجه به لباسش (دامن) که شبیه به دختر بچه است که خود جای بسی تأمل دارد. شبیه چنین نگاره‌ای در هیچ جای ایران یافت نشده است (تصویر ۵).






تصویر ۵. نقش یک زن در سنگ‌نگاره خزان (مأخذ؛ قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

۸-۲-۳- نقوش انسانی در حال انجام مراسم نمایشی: کنده‌نگاره‌های نمایشی یکی از مهم‌ترین نقوش و داده فرهنگی در بیان و نحوه پیشینه بازی‌های نمایشی و صحنه‌های مسابقه و بازی‌های نمادین در ایران است. در بازی‌های بومی شمال خراسان، به ویژه در میان مردم قوچان، اسب‌سواری برای آموزش کودکان و ایجاد چالاکی، شادابی و ایجاد آمادگی هنگام نبرد، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (جابانی، ۱۳۸۰: ۵۱-۵۵). در سنگ‌نگاره خزان نقش انسانی در حال انجام مراسم سوارکاری است که در شرق ایران سابقه دیرینه دارد (جدول ۲). با توجه به خطی بودن و کلی بودن نقوش، در مورد جنسیت نگاره‌های انسانی به راحتی نمی‌توان اظهار نظر نمود. با توجه به نوع صحنه‌ها (سوارکاری و ریخت‌شناسی نگاره) به نظر می‌رسد نگاره‌های یافت شده عمدتاً مرد باشند. برخی از محققین داخلی و خارجی، به نگاره‌های انسانی صرفاً جنبه اسطوره‌ای می‌دهند؛ در حالی که حضور نگاره انسانی صرفاً نمی‌تواند بیانگر مفهوم اسطوره‌شناختی باشد. البته طرح این دیدگاه به معنی نقص و نادیده گرفتن جنبه اسطوره‌ای نیست. حال اگر بخواهیم جنبه اساطیری نقوش انسانی را در نظر بگیریم باید ارتباط نقشی انسان با سایر نقوش موجود در صحنه روایی (حیوانی، گیاهی، نمادی و...) را نیز به‌طور هم‌زمان بررسی کنیم. مشکل اساسی در این رویکرد آن است که نگاره‌ها توسط چه کسانی (بومی یا غیربومی) ایجاد شده است (محمدی‌فر و همتی‌ازندریانی، ۱۳۹۳: ۲۴۴).

۸-۲-۴- نقوش انسانی همراه با نقوشی نامعلوم: در میان نگاره‌های انسانی خزان به نقش انسانی برخورداریم که دست‌هایش را از بدنش دورنگه داشته و بسیار ساده و استیلیزه به روش پتروگلیف نقر شده است. این نقش در میان دو نگاره نامعلوم یافت شده است. چنین نقشی قابل مقایسه است با نقوش هزارسوم افغانستان (لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳: ۲۵) و سنگ‌نگاره لاخ مزار بیرجند (همان: ۴۵) (جدول ۷).

جدول ۷. مقایسه نقوش انسانی در سنگ‌نگاره خزان با دیگر سنگ‌نگاره‌ها.





مقایسه نقوش انسانی به صورت تکی در سنگ‌نگاره خزان با دیگر سنگ‌نگاره‌ها		
 <p>سنگ‌نگاره لاج مزار بیرجند (لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۲: ۴۵).</p>	 <p>سنگ‌نگاره هزارسم افغانستان (لباف‌خانیکی و بشاش، ۱۳۷۲: ۲۵).</p>	 <p>سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶).</p>

۹- نقوش هندسی و نمادین

در مورد نگاره‌های حیوانی و یا انسانی، با توجه به مطالعات قوم-باستان‌شناسی می‌توان پی به هدف به نمایش درآمدن نقش برد اما در خصوص نگاره‌های نمادین به راحتی این امکان وجود ندارد لیکن با توجه به وجود نگاره‌های این منطقه و مقایسه آن با سایر نقاط تا حدی می‌توان به کیفیت نقش پی برد. از جمله نقوش یافت‌شده در سنگ‌نگاره خزان نگاره صلیب شکسته، نعل اسب است.




۹-۱- چلیپا: مشخص‌ترین نوع و نشانه در میان سنگ‌نگاره خزان نقش صلیب شکسته (سواستیکا (Swastika)) است. چلیپا نمادی از خورشید و الهه شمش است و رمزی آیینی است. پیشینه این نماد در ایران تا هزاره پنجم پیش از میلاد قابل پیگیری است و در دیگر جاها نیز با کمی پس و پیش تاریخی و با اندکی تقدم و تأخر زمانی به همین زمان می‌توان رسید. چلیپا نشانه آشتی و خوشبختی و نیروی زندگی بخش است. این نقوش روی سفالینه‌های تل باکون در هزاره چهارم پیش از میلاد دیده می‌شود (قائم، ۱۳۸۸: ۳۴). نقش صلیب شکسته را روی سنگ‌نگاره‌های شرق ایران از جمله: سنگ‌نگاره جربت (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۰)، (Vahdati, 2012: 183) و در سنگ‌نگاره‌های دشت توس می‌توان مشاهده کرد تنها تفاوت این نقش‌مایه در بازوهای آن است که در برخی از موارد دایره‌های بر روی آن حک شده و در برخی از موارد خط‌های اضافی در سر بازوها نقر شده است. در مورد معنای نمادین این نقش‌مایه می‌توان گفت که، اگرچه نقوش از نظر ظاهری تفاوت‌های جزئی دارند اما در کل نقوش شبیه‌هم و با نگاهی تطبیقی با دیگر نقوش و دیگر داده‌های فرهنگی، معنای نمادین نگاره را یکی دانست (جدول ۸).

جدول ۸. مقایسه تطبیقی نقش‌مایه صلیب شکسته در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش در شرق ایران.

مقایسه تطبیقی نقش‌مایه صلیب شکسته در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش در شرق ایران			
 <p>سنگ‌نگاره جربت (Vahdati, 2012: 183)</p>	 <p>سنگ‌نگاره دشت توس (بختیاری‌شهری، ۱۳۸۸: ۲۶).</p>	 <p>سنگ‌نگاره جربت (رشیدی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۰).</p>	 <p>سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۲۷).</p>

۹-۲- نعل اسب: یکی دیگر از نگاره‌های نمادین یافت‌شده در خزان نگاره‌ای شبیه به نعل اسب است. نعل اسب نماد حفاظت دوره قرون وسطی است و آن را از آن‌زمان، روی درب بسیاری از بناها می‌گذارند و به‌عنوان حرز و تعویذ نیز به کار می‌رود. اصل و منشأ آن نامعلوم است. محبوبیت آن به‌عنوان نماد خوشبختی، تکاملی تازه است (هال، ۱۳۹۰: ۱۸۸). چنین نقشی باسنگ‌ها و صخره‌های دشت توس (بختیاری‌شهری، ۱۳۸۸: ۳۵) و سنگ‌نگاره جریت (Vahdati, 2012: 183) قابل مقایسه است (جدول ۹).

جدول ۹. مقایسه تطبیقی نقش نعل اسب در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش در شرق ایران.

مقایسه تطبیقی نقش نعل اسب در سنگ‌نگاره خزان با دیگر نقوش بدست‌آمده در ایران		
		
سنگ‌نگاره جریت (Vahdati, 2012: 183)	سنگ‌نگاره دشت توس (بختیاری شهری، ۱۳۸۸: ۳۵)	سنگ‌نگاره خزان (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۲)

۱۰- نقوش نامعلوم: در میان سنگ‌ها و صخره‌های خزان نقوشی هستند، که به علت گذشت زمان و فرسایش سنگ، هوازگی، بر اثر زلزله‌ها و از هم باز شدن و تکه‌تکه شدن سنگ، آسیب‌های وارده شده توسط انسان، باعث محوشدن نقوش و از بین رفتن نوع و ماهیت آن‌ها شده است. در این میان ۳ نقش (نقش حیوانی و دو نقش نامشخص) یافت شده، که نوع آن‌ها را نمی‌توان به طور دقیق توجیه نمود (تصویر ۶).



تصویر ۶. نقوش نامعلوم در سنگ‌نگاره خزان (مأخذ: قربانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۶).

۱۱- ویژگی‌های شاخص نقوش مورد بررسی

عمق و تفاوت رنگ و چگونگی فرسایش و ماندگاری نقوش از جمله عواملی هستند که می‌توانند در تعیین قدمت و تأخر نقوش مورد نظر قرار گیرند. عمق و رنگ نقوش حتی آنهایی که در یک صحنه قرار دارند با یکدیگر متفاوت بوده است علاوه براین سطح برخی از سنگ‌ها را زنگار گرفته و با زمینه صخره هم‌رنگ شده و به‌همین دلیل به راحتی قابل رؤیت نیستند و تنها از زاویه‌ای مناسب از سطح صخره، متمایز شده و قابل تشخیص هستند.

در این آثار نیز، قطعاً هنرمندان محیط را برای نقش آثارشان در نظر گرفته‌اند. شکل طبیعی و همچنین محل انتخاب برای چنین آثاری بر روی صخره‌ها رابطه مستقیم و روشنی را بین این هنر و محیط آن نشان می‌دهد. تبعیت هنرمند و یا هنرمندان در چنین انتخابی در اعصار مختلف تابع معیارهای قاعدتاً یکسانی بوده است، که واضح‌ترین آنها، انتخاب صخره‌هایی با سطوح نسبتاً صاف و وسیع که غالباً قابلیت‌های لازم را برای خلق این اشکال (قابلیت کنده‌کاری و تراش) را دارا باشند که تمام نگاره‌های یافت‌شده در خزان به سبک پتروگلیف (کنده‌کاری) است و دوم اینکه در مکان‌هایی قرار گرفته باشند که نه تنها در معرض دید بلکه از تأثیر تغییرات اقلیمی (باد و باران و ...) تا آنجا که ممکن است در امان بمانند. به همین دلیل است که بیشتر این آثار را یا در درون غارها و یا در زیر دیواره سقف پناهگاه‌های طبیعی صخره‌ای می‌توان یافت (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

آثار مورد مطالعه ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند زیرا که این آثار یا برای انتقال افکار و اندیشه‌ها و یا حاکی از اتفاقات آن دوران بوده و این مکان‌ها ارتباط مستقیمی با مراسم آیینی و یا مذهبی داشته است که توسط گروه‌های کوچ‌رو و نیمه کوچ‌رو در این مناطق سکنی گزیده‌اند حک شده‌اند و قطعاً باید در مناطقی نقر شوند که در دید همگان قرار گیرد علاوه بر آن با بررسی سنگ‌های مورد بررسی می‌توان پی برد که، انتخاب بستر مور نظر برای حک کردن نقش به صورت تصادفی نبوده است و هنرمند حاکاک سعی در گزینش و انتخاب سنگی را داشته که از قابلیت و استحکام و حتی ماندگاری بیشتری برخوردار باشد^۳. با این تفاسیر با تطبیق نگاره‌ها با دیگر نقاط ایران از نظر تکنیک، سبک، تنوع و موقعیت نقوش تشابهات زیادی برخوردار است که نشان از ارتباطات فرهنگی قوی از نظر عقاید، اندیشه‌ها و اعمالی است که بر گذراندن زندگی به آن پایبند و یا شاید آن‌ها را می‌پرستیدند.

۱۲- تاریخ‌گذاری نقوش

روش تاریخ‌گذاری هنر صخره‌ای حدود چند دهه قدمت دارد و عملاً تمامی آثار هنر صخره‌ای در دنیا هنوز تاریخ‌گذاری نشده‌اند. همانطور که ذکر شد دو شکل پایه‌ای از هنر صخره‌ای وجود دارد: پتروگلیف (کنده‌نگاری)، پیکتوگراف (نقاشی). رنگ حاوی موادی است که می‌توان با تعیین رادیواکتیو دوران آن قدمت نقاشی را شناخت. ولی تاریخ‌گذاری پتروگلیف‌ها هنوز هم دشوار است (رفیع‌فر، ۱۳۸۴: ۳۱). اغلب روش‌های فعلی برای تعیین سن به تعیین سن پوشش‌های معدنی روی صخره و سنگ باز می‌گردد و در نتیجه حداقل سن را نشان می‌دهد. یکی از شیوه‌های مطالعه آزمایشگاهی بررسی سن ریز ذرات محیطی و آلی است که بر روی لایه‌های رسوبی سطح سنگ‌های منقوش امکان پیدا شدن آن‌ها وجود دارد که تاریخ‌گذاری این ذرات، به یافتن سن نقوش آثار کمک می‌کند (کریمی، ۱۳۸۶: ۳۲). به جز روش‌های آزمایشگاهی سایر شیوه‌های تاریخ‌گذاری به‌طور هم‌زمان باید مدنظر قرار گیرند و در هر جایگاه هنر صخره‌ای با توجه به زمینه و بستر آن می‌توان بررسی‌های باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، مطالعه محیطی و زیست بوم را به‌کار برد. در نهایت می‌توان با توجه به بالا بودن کیفیت طراحی برخی از نقش‌ها، شیوه‌های ایجاد، سبک و نشانه‌شناسی نقوش را برای تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها مد نظر قرار داد.

اما در نهایت می‌توان گفت که تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌ها به مراتب دشوارتر از تاریخ‌گذاری آثار باستانی است علت آن، آن‌که این حکاکی‌ها در اغلب موارد سنتی هستند که از کهن‌ترین ایام هنرورزی آدمی تا روزگار ما ادامه یافته‌اند. برای تاریخ‌گذاری نسبی سنگ‌نگاره‌ها از راه‌های زیر می‌توان بهره برد: نوع پوشش و لباس نگاره‌های انسانی، سبک هنری آن‌ها، نحوه عمق حجاری، کهنگی و جدید بودن اثر نگاره‌ها بر روی صخره، کتیبه و نوشتار و غیره. با این تفاسیر می‌توان گفت، سنگ‌نگاره خزان قابل مقایسه با سنگ‌نگاره‌های شرق (سنگ‌نگاره لاج مزار بیرجند)، شمال شرق (سنگ‌نگاره دشت توس و سنگ‌نگاره جربت) و جنوبی شرق ایران (سنگ‌نگاره مرزبانیک) است. از روش‌های رایج در تاریخ‌گذاری گونه‌شناسی و کمک گرفتن از خود تصاویر است، از طریق مشاهده‌ی علائم خاص و قابل تاریخ‌گذاری که در نقوش وجود دارد (خط، نقش ابزار و پراک، حیوانات خاص مثل اسب و بز و ...). و نسبت دادن این عناصر به دوره‌های زمانی خاص و دانستن درباره تاریخ مذکور، می‌توان تاریخی نسبی را برای نگاره‌ها مد نظر قرار داد. نکته قابل ذکر در تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های خزان حضور اسب و سوارکار است که با توجه به اهلی‌سازی اسب و استفاده از اسب که تاریخ استفاده از آن، فراتر از عصر آهن را دربرنماید و با توجه به این که الگوهای استقرار دشت مورد مطالعه از دوران پیش از تاریخ نیز دارای داده‌های فرهنگی به جای مانده از آن دوران است (سنگ‌نگاره لاج مزار بیرجند) و هیچ نوع نشانه‌ای که معرف جدید بودن نگاره‌ها را ندارد با رعایت احتیاط تاریخ‌گذاری نگاره‌ها را می‌توان به طور کلی به ادوار پیش از تاریخ رساند.

۱۳- ارتباط منطقه مورد بررسی با کوچ‌نشینان

زندگی کوچ‌نشینی، تا پیش از اهلی ساختن حیوانات بارکش چون: شتر، اسب، خر، گاو، قاطر، و گاو میش، بسیار ساده بوده است. در ابتدای مرحله‌ی نوسنگی، فقط بز و میش اهلی شدند و بقیه‌ی حیوانات از ۷۵۰۰ سال پیش به این سو، رام شدند. چنان‌که، اسب، الاغ و شتر حدود ۵۰۰۰ هزار سال پیش، و گاو و گاو میش به ترتیب حدود ۷۵۰۰ سال و ۴۵۰۰ سال پیش اهلی شده‌اند. اهلی شدن این حیوانات به‌ویژه اسب، شتر و الاغ، تأثیر زیادی در زندگی کوچ‌نشینان داشته است؛ زیرا تا پیش از رام شدن این حیوانات، کوچ‌نشینان تحرک چندانی نداشتند و مجبور بودند در محدوده‌ی کوچکی جابه‌جا شوند (امان‌اللهی بهاروند، ۱۳۸۳: ۱۶۰). با این وجود سنگ‌نگاره مکشوفه ما روی صخره‌های مرتفع واقع شده‌اند. هم‌چنین در کنار این مناطق، دره‌های میان کوهی نسبتاً آب و هوای مناسب وجود دارد که در گذشته می‌توانسته مکان و مأمن مناسب و امنی برای زندگی کوچ‌نشینان مورد استفاده قرار گیرد و از همه مهم‌تر استفاده چوپانان محلی از مکان‌های مورد نظر برای اقامت و استفاده موقت روزانه است.

۱۴- بحث و نتیجه‌گیری

از آن‌چه که از بررسی‌های باستان‌شناختی بر روی سنگ‌نگاره خزان حاصل گردید، تنها صخره‌هایی دارای کنده‌نگاری‌اند که در بلندی و ارتفاعات و عمدتاً در مسیر اصلی و یا در گذرگاه‌های کوهستانی واقع شده‌اند و هم‌اکنون نیز این سنگ‌ها مورد توجه نقش‌گران خوابگاه حیواناتی چون بز کوهی است و فراوانی این نوع حیوان بر روی سنگ‌ها از شرایط زیست محیطی منطقه جهت استراحتگاه حیوانات خبر می‌دهد. به‌طور کلی

در میان نقوش مستندسازی شده مصور بر سنگ‌های مورد مطالعه، محوریت با نقوش گرافیک است. سادگی و ماهیت گرافیکی به لحاظ سبک و ریخت‌شناسی انعکاس دهنده نوعی درآمیختگی انتزاع و طبیعت‌گرایی است که روح شکار و طبیعت بر همه‌ی سنگ‌نگاره‌ها سیطره دارد؛ اگرچه هیچ پیچیدگی خاصی در تصاویر نقوش حیوانی دیده نمی‌شود، اما نقوش نامفهوم و نمادین نیز گاهی معماراثری می‌کنند؛ زیرا برخی از آن‌ها کاملاً ناشناخته به نظر می‌رسند. به‌طور کلی با استناد به نقوش برجای مانده از انسان پیش از تاریخی، روی این صخره‌ها می‌توان دریافت که این حیوانات نقش بسیار مؤثری در ارتزاق جمعیت‌ها و آفرینندگان سنگ‌نگاره‌ها داشته‌اند، از این‌رو هم‌راستا با محور زندگی ایفای نقش کرده‌اند. کما این‌که برخی از این سنگ‌ها هنوز از اعتبار اعتقادی نزد مردم بومی برخوردارند و احتمالاً در گذشته در آن‌جا (کشتار آیینی) توسط مردمان گذشته صورت گرفته است.

نقوشی که بررسی شده را می‌توان به دسته‌هایی تقسیم کرد: شامل نقوش حیوانی، انسانی، نمادین و نقوش نامعلوم است و بیشترین نقوش مربوط به حیوانات است، که در میان نقوش حیوانی بیشترین نقش را بزکوهی به خود اختصاص داده است. تمام نقوش به‌صورت نیم‌رخ حک شده‌اند و نقوش در مجموع به شکلی مسبک اجرا شده‌اند. بزها در حالت نیم‌رخ نشان داده شده‌اند و شاخ آن‌ها دارای انحنایی است که معمولاً به نیم‌دایره نمی‌رسد. در هنر نمایی سنگ‌نگاره خزان نگارگر نقوش را تماماً به سبک پتروگلیف خلق کرده و نقوش‌مایه‌ها را به‌صورت ساده و بدون هیچ تزیینی در جهت عمق، و القاء کردن مفهوم نمادین نقش را ایجاد کرده است. شاخ‌های بلند و کمانی بز که همیشه به‌صورت جفت و در اغلب موارد با بهره‌گیری از پرسپکتیو با زیبایی خاصی ترسیم گردیده‌اند. همانند تفسیر آثار صخره‌ای، ابهامات زیادی نیز در مورد گاه‌نگاری این آثار وجود دارد. پژوهشگران اغلب از خودِ نقوشی که به تصویر کشیده شده به‌عنوان مدرک گاه‌نگاری استفاده کرده‌اند. لذا با نشانه‌شناختی نقوش و روش مقایسه‌ای با سایر آثار به‌دست‌آمده از ایران خصوصاً شرق ایران و با رعایت احتیاط نقوش را می‌توان هم‌زمان با این محوطه‌ها دانست.

سپاسگزاری

با سپاس و تشکر فراوان از جناب آقای سید احمد برآبادی مسئول حوزه پژوهش و مطالعات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی و سرکار خانم رقیه زعفرانلو کارشناس باستان‌شناسی و ناظر طرح برای حمایت‌های مداوم ایشان.

پی‌نوشت‌ها

^۱ . مقاله پیش‌رو برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد سارا صادقی با عنوان "نگرشی نو به صخره‌نگاره‌های شرق ایران؛ «مطالعه موردی: نقوش جانوری ۱۲ سنگ‌نگاره منتخب در خراسان جنوبی» به راهنمایی دکتر حمید رضا قربانی در دانشگاه هنر بیرجند است.

^۲ - کتیرازن: آنکه با ابزار مخصوص ساقه‌گون را تیغ زند تا صمغ آن که کتیراست بیرون شود.

۳- دلیل این مدعا از بین رفتن دیگر سنگ‌های اطراف نقش مورد بررسی و باقی ماندن سنگ مورد نظر همراه با نقوش موجود بر روی آن است.

منابع

- ابراهیمی، افسانه. (۱۳۹۱). *سالنامه آماری استان خراسان جنوبی*. بیرجند: انتشارات استانداری خراسان جنوبی، معاونت برنامه‌ریزی، دفتر آمار و اطلاعات.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر، (۱۳۸۳). *زوال کوچ‌نشینی در ایران: یک‌جانشینی ایلات و عشایر*، فصلنامه مطالعات ملی، دروه ۵، ش ۱۷۱: صص ۱۵۵-۱۸۳.
- آیتی‌زاده، آنیسا. (۱۳۹۳). *بررسی سنگ‌نگاره‌های باستانی اسبقته یزد*، جلوه هنر، ش ۱۲: ۷۹-۹۲.
- بختیاری‌شهری، محمود. (۱۳۸۸). *بررسی و مطالعه سنگ‌نگاره‌های نویافته دشت توس*، مطالعات باستان‌شناسی، ش ۱: صص ۲۱-۴۴.
- جابانی، محمد. (۱۳۸۰). *ورزش و بازی‌های محلی قوچان*، کتاب ماه هنر، ویژه هنر عامه، ش ۳۹: ۵۱-۵۵.
- رشیدی‌نژاد، مسعود، دلفانی، میثم، و مصطفی‌زاده، نرگس. (۱۳۸۸). *معرفی سنگ‌نگاره‌های جریت*، شهرستان جاجرم، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال اول، ش دوم: صص ۱۶۶-۱۷۴.
- رضایی، جمال، کیا، صادق. (۱۳۳۰). *گزارش نوشته‌ها و پیکره‌های کال جنگال*، انجمن ایرانویج.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین. (۱۳۸۱). *پیدایش و تحول هنر*. تهران: برگ زیتون.
- _____ (۱۳۸۴). *سنگ‌نگاره‌های ارسباران*. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- روستایی، کورش. (۱۳۸۶). *معرفی نقوش صخره‌ای نویافته در کوه دختر رشم، دامغان*، باستان‌پژوهی، سال دوم، ش ۳: صص ۹۰-۹۴.
- سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، مدیریت اطلاعات جغرافیایی. (۱۳۸۸). *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان سریشه*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- _____ (۱۳۸۸). *فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان درمیان*. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- شیدرنگ، سونیا. (۱۳۸۶). *نقوش صخره‌ای میوله؛ نویافته‌هایی در شمال کرمانشاه*، مجله باستان‌پژوهی، دوره جدید، سال دوم، ش ۳: صص ۵۵-۶۴.
- صالح‌پور، زینت. (۱۳۸۶). *اسب در فرهنگ ایرانی*، فصلنامه نجوای فرهنگ، سال ۲۰، ش ۴: صص ۱۵۵-۱۶۲.
- غرابی، سهیلا. (۱۳۸۱). *تجزیه و تحلیل نقوش حیوانی سفال‌های پیش از تاریخ فارس و ارتباط آن با ویژگی‌های اقلیمی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۴). *موزه‌هایی در باد*، معرفی مجموعه عظیم سنگ‌نگاره‌های نویافته تیمره، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۷ و ۸: صص ۱۶-۶۱.
- _____ (۱۳۷۷). *موزه‌هایی در باد*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- قائم، گیسو. (۱۳۸۸). پیام چلیپا بر سفالینه‌های ایران، نشریه صفا، ش ۴۹: صص ۳۱ - ۴۹.
- قربانی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). گزارش بررسی و مطالعه باستان‌شناسی و انسان‌شناختی نقوش صخره‌ای (سنگ‌نگاره‌های استان خراسان جنوبی). خراسان جنوبی: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- کریمی، فریبا، (۱۳۸۶). نگرشی نو به کنده‌نگاره‌های صخره‌ای ایران، مجله باستان پژوهی، سال دوم، ش ۳: صص ۲۰-۳۴.
- گزارش جامع وضعیت مناطق چهارگانه تحت مدیریت حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی. (۱۳۸۹). اداره کل حفاظت محیط زیست استان خراسان جنوبی.
- لباف‌خانکی، رجبعلی و بشاش، رسول. (۱۳۷۳). سنگ‌نگاره‌های لاخ‌مزار بیرجند، سلسله مقالات پژوهشی. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- لحافیان، جمال. (۱۳۸۹-۱۳۸۰). فنجان‌نماها در هنر صخره‌ای کردستان، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال دوم و سوم، ش ۴ و ۵: صص ۷۹-۸۸.
- محمدی‌فر، یعقوب و همتی‌ازندریانی، اسماعیل. (۱۳۹۳). معرفی و تحلیل نقوش صخره‌ای ازندریان ملایر. فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۶۴: صص ۲۲۳-۲۵۲.
- محمدی‌قصریان، سیروان. (۱۳۸۶). مطالعات نقوش صخره‌ای در ایران: مشکلات و راهکارها، مجله باستان پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳: صص ۱۵-۱۸.
- ملاصالحی، حکمت‌اله، سعیدپور، محمد، مؤمنی، آتوسا و بهرام‌زاده، محمد. (۱۳۸۶). باستان‌شناسی صخره‌نگاره‌های جنوب کوهستان استان قزوین، مجله باستان پژوهی، سال دوم، ش ۳: صص ۳۵-۴۹.
- مهرآفرین، رضا. (۱۳۷۵). بررسی نشانه‌های تمدنی نقوش حیوانی بر روی مهرهای استوانه‌ای ایلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی گرایش دوران تاریخی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی. ویلسون، اوا. (۱۳۷۷). طرح‌های اسلامی، ت: محمدرضا ریاضی. تهران: انتشارات سمت.
- هال، جیمز. (۱۳۹۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه: رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.

Francfort H.P. (2000). Central Asian Petroglyph: Between Indo – Iranian and Shamanistic. *Interpretations* IN: *The archaeology of Rock- Art*. pp. 302-318 Edited by: Chriptosher Chippindale and Paul. S.e Tacon. Cambridge University Press.

Lymer, K. (2004). Rags and rock: the landscapes of holy site pilgrimage in the Republic of Kazakhstan. *World Archaeology*. v. 36 (1), pp. 158-172.

Moradi, H, Sarhaddi Dadian, H, Soltani, m, Rahman, N, Chang, B. (2013). Study and Typological Comparison of Petroglyphs in the Marzbanik Valley, Baluchestan, Iran. *Time And Mind: The Journal of Archaeology, Consiousness And Culture*. v. 6, pp. 331-350.

Vahdati, A.A. (2012). A Preliminary Report on a newly discovered Petroglyphic Complex near Jorbat, the Plain of Jajarm, North-eastern Iran. *Paleorient*. v. 37.2, pp. 177-187.